

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیر گذار بر آن (مورد مطالعه معلمان شهرستان بروجن)

دکتر اصغر میرفردی* - دکتر سیروس احمدی** - زهره رفیعی بلداجی***

چکیده

ارزش ها از بنیادی‌ترین عوامل جهت‌دهنده رفتارهای انسانی در هر جامعه‌ای به شمار می‌آیند و نقش مهمی را در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند. این مطالعه در صدد شناخت جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر آن است. داده‌های پژوهش به شیوه پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه، از تعداد ۳۴۳ معلم شاغل در اداره آموزش و پرورش شهرستان بروجن، که به شیوه تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند؛ گردآوری شده است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ۷۲٪ از معلمان دارای حد متوسطی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور بودند. نتایج نشان می‌دهد که سطح سواد والدین، وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی، درآمد، وضعیت اشتغال و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی ارتباط معناداری با جهت‌گیری ارزشی توسعه محور نداشتند. احساس امید به زندگی و احساس رضایت از زندگی (رضایت شغلی، رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از امکانات زندگی و رضایت از وضعیت سلامت) رابطه معناداری با جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور داشتند؛ به این معنا که با افزایش احساس امید به زندگی و رضایت از زندگی، جهت‌گیری ارزشی توسعه محور افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور، توسعه، توسعه انسانی، معلمان، بروجن.

*. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

***. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

مقدمه

ارزش‌ها و شرایط فرهنگی نقش بسزایی در افزایش رشد اقتصادی و نیز تقویت نهادهای مردم سالار و ارتقاء عدالت اجتماعی دارند. ارزش‌هایی چون سخت‌کوشی، آموزش کارا و اثربخش منابع انسانی، اهمیت دادن به پیشرفت، شایسته‌سالاری و صرفه‌جویی در منابع مالی و تأکید بر آینده‌نگری، از عوامل موثر در توسعه هر کشور هستند. علل واقعی عقب ماندگی کشورهای فقیر، ذهنیت پایدار ضد پیشرفت آنان است. هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ خود، رفاه و سعادت را تعریف می‌کند. همت و توانایی مردم، متناسب با ارزش‌های جامعه، «زندگی خوب» و «زندگی بد» را رقم می‌زند، زیرا امری که برای حیات یک جامعه ضروری است، چه از جهت مفهوم و چه از نظر مصداق، تابع فرهنگ جامعه است. تعداد زیادی از کارشناسان، روزنامه‌نگاران و متخصصان بر نقش ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی به عنوان شرایطی که تسهیل‌کننده یا مانع پیشرفت هستند تأکید کرده‌اند؛ اندیشمندانی چون: الکسی دوتوکویل، که نتیجه گرفت آنچه نظام سیاسی آمریکا را کارآمد ساخت، گرایش فرهنگی به دموکراسی بود و ماکس وبر، که ظهور سرمایه داری را پدیده فرهنگی می‌دانست و یا ادوارد بنفلد، که ریشه‌های فرهنگی فقر و سلطه‌جویی در جنوب ایتالیا را نمونه‌ای می‌دانست که می‌توان از آن در تمام دنیا استفاده کرد. (هریسون، ۱۳۸۸: ۳۹)

ارزش‌های فرهنگی پایه‌های اصلی پیشرفت هستند و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بر مبنای آنها شکل می‌گیرند، اما آنچه می‌تواند ملتی را در پاکسازی ارزش‌های ناکارا و یا تشخیص مفاهیم مسلط بر فرهنگ کمک کند، نقش کلیدی آموزش و پرورش است که در تمامی تحقیقات دانشمندان به عنوان یکی از عوامل مهم به آن اشاره شده و در این میان معلمان به عنوان عوامل اجرایی اصلی در آموزش و پرورش از اهمیت بسزایی برخوردارند. بر همین اساس، این مقاله درصدد شناخت و سنجش جهت‌گیری ارزشی معلمان می‌باشد تا بررسی کند که ارزش‌های آنان از نوع ارزش‌های موافق توسعه یا بازدارنده آن است. همچنین این مقاله می‌کوشد تا به پرسش‌هایی پاسخ دهد. مهم‌ترین و کلی‌ترین

سؤال تحقیق این است که: معلمان تا چه میزان از جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور برخوردارند؟ و این جهت‌گیری ارزشی معلمان تا چه میزان تحت تأثیر شرایط جامعه‌پذیری آنان بوده است؟ و آیا عوامل اجتماعی و اقتصادی از قبیل وضعیت استخدام، درآمد، امید به زندگی و رضایت از زندگی بر جهت‌گیری ارزشی معلمان مؤثر است؟

بررسی این موضوع از این جهت اهمیت می‌یابد که: به شناخت ارزش‌های معلمان به عنوان تأثیرگذارترین افراد بر ارزش‌های نسل آینده کمک می‌کند و در کسب بینش و آگاهی کلی درباره اذهان و دید افراد جامعه نسبت به پدیده‌ها و مطلوبیت‌ها موثر است. از سوی دیگر کمبود تحقیقات در زمینه بررسی ارزش‌ها به ویژه در ارتباط با قشرهای خاص و تأثیرگذار بر جامعه، انجام این پژوهش را ضروری می‌سازد.

۱. تعریف جهت‌گیری ارزشی

مفهوم ارزش از مفاهیم پیچیده با کاربرد بسیار و معانی متنوع است. این واژه در فلسفه، حقوق، روانشناسی، علوم اقتصادی، سیاست، جامعه‌شناسی و علم اخلاق به معانی متفاوتی به کار رفته است. ارزش در جامعه‌شناسی به معنای خوب یا بد، شایسته و مطلوب یا ناشایست و نامطلوب در نزد یک فرد یا گروه تعریف شده است. (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۶)

بعضی نیز آن را هنجار و معیار انتخاب یک فرد یا گروه در میان علی‌البدل‌های مختلف مربوط به یک موقعیت تعریف کرده‌اند. (محمد خلیفه، ۱۳۷۸: ۴۵)

گی روشه تحت تأثیر دورکیم و پارسونز ارزش‌ها را پایه نمادین کنش دانسته، می‌گوید: «ارزش شیوه‌ای از بودن یا عمل است که یک شخص یا جمع به عنوان آرمان می‌شناسد و افراد یا رفتارهایی را که به آن نسبت داده می‌شوند، مطلوب و متشخص می‌سازد.» (روش، ۱۳۷۰: ۷۶)

مفهوم جهت‌گیری یا گرایش، مختص نظام کنش‌گر اجتماعی است. جهت‌گیری کنش‌گر سازوکاری است که وضعیت کنش را تعیین می‌کند و مفهوم آن منظومه‌ای است از آنچه که

❖ ۲۰۰ نامه پژوهش فرهنگی

کنش گر می‌بیند، ارزیابی می‌کند، می‌خواهد و یا نمی‌خواهد. جهت‌گیری دارای دو بعد عمده شناختی و عاطفی است. البته کم و کیف و صبغه هر کدام در هر مورد خاص متغیر و متفاوت است. (چلبی، ۱۳۸۳: ۱۲)

بنابراین منظور از جهت‌گیری ارزشی، داشتن و یا پذیرفتن ارزش‌های معین در جامعه است که رفتارهای انسان نیز براساس آن شکل می‌گیرد. به عبارتی، سمت و سوی تمایلات افراد به یک سری ارزش‌های خاص است که در این تحقیق پذیرفتن، داشتن یا خواستن ارزش‌های سازگار با توسعه مورد نظر می‌باشد.

۲. پیشینه تحقیق

حسن زاده (۱۳۷۹) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه استان‌های مازندران و گلستان» با استفاده از پرسشنامه سنجش ارزش‌های آلپورت، نون و لیندزی به این نتایج دست یافت که سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان دختر و پسر، شهری و روستایی و همچنین پایه‌های تحصیلی اول و دوم متوسطه با سوّم و چهارم متوسطه متفاوت است. سطح تحصیلات والدین با سلسله مراتب ارزش‌های فرزندان رابطه معناداری دارد. (حسن زاده، ۱۳۷۹)

آزاد ارمکی و ملکی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان» با استفاده از روش تحلیل ثانویه و به‌کارگیری داده‌های حاصل از موج چهارم پروژه بررسی ارزش‌های جهانی نشان می‌دهند که در ایران سالخورده‌گان، کم‌سوادان و فقیران بیشتر از جوانان، دانشگاهیان و ثروتمندان به آموزه‌های سنتی خانواده پایبندند. در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران، ماندگاری عناصر سنتی در دین بیش از عرصه خانواده است و در سطح کلان، بین تجانس فرهنگی در حوزه عناصر سنتی و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه معکوس وجود دارد. (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۵)

پیشینه مطالعات مربوط به فرهنگ و توسعه به ماکس وبر برمی‌گردد که در کتاب اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری، رشد سرمایه‌داری در غرب را مدیون آموزه‌های کالونی‌مذهب

پروتستان در مورد کار، قناعت و پارسامندی و سرنوشت بشری می‌دانست. (وبر، ۱۳۷۴)

شوارتز و ساگی در تحقیقی به بررسی اهمیت و اجماع ارزش پرداخته‌اند و تأثیرات علی رشد اجتماعی - اقتصادی و دموکراسی‌سازی سیاسی را بر آنها مورد آزمایش قرار داده‌اند. داده‌ها از نمونه‌های جور شده‌ای از معلمان ۴۲ کشور به تعداد ۷ هزار و ۸۵۶ به شیوه پیمایشی گردآوری شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که رشد و دموکراسی‌سازی با اهمیت ارزش‌های سعه صدر و خودبرتری همبستگی مثبت دارند. اما در مقابل روابط متضادی با اجماع ارزش دارند که تأثیرات یکدیگر را خنثی می‌سازند. رشد اقتصادی - اجتماعی، اجماع ارزش کلی را افزایش می‌دهد در حالی که دموکراسی آن را کاهش می‌دهد. (Schwartz and Sagie, 2000)

یاخمن یار^۱ و الکل^۲ در پژوهشی به بررسی تأثیر ساخت‌های اقتصادی و فرهنگی بر پذیرش ارزش‌های مدرن توسط اعضای جامعه پرداخته‌اند. در این تحقیق چهار منطقه مذهبی (پروتستان، کاتولیک، کاتولیک سوسیالیست سابق و اسلام) و سطح توسعه اقتصادی کشورها و متغیرهای فردی شامل سن، جنس، تحصیلات و مسایل دینی در نظر گرفته شد. برای اندازه‌گیری جهت‌گیری ارزشی مدرن، از ارزش‌های آزادی سیاسی و ارزش‌های آزادی اجتماعی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد بیشتر واریانس مشاهده شده در هر دو اندازه‌گیری‌ها ناشی از تفاوت‌ها در ویژگی‌های فردی در میان کشورهاست. اما هنگامی که هر یک از تأثیرات ساختاری مناطق مذهبی و رشد اقتصادی، به تنهایی مورد بررسی قرار می‌گیرند، شواهدی قوی دال بر تأثیرات ساختی در جهت‌گیری ارزشی مدرن مشاهده می‌شود. (Yachtman-Yaar and Alkalay, 2007)

۳. مبانی نظری

۳.۱. نظریات مرتبط به موضوع

پارسونز از مفهوم «متغیرهای الگویی» برای اشاره به الگوهای ارزشی - رفتاری متفاوت در گونه‌های مختلف جوامع استفاده می‌کند. این متغیرها نشانگر الگوهای عام عمل هستند و

1. Yachtman-Yaar, Ephraim

2. Alkalay, Yasmin

❖ ۲۰۲ نامۀ پژوهش فرهنگی

از جامعه‌ای به جامعه دیگر، براساس پیچیدگی روابط نهادی در جامعه، تغییر می‌کنند. بر این اساس، جهت‌گیری‌های ارزشی متفاوتی برای افراد، با توجه به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، وجود دارد. پارسونز متغیرهای الگویی را به پنج دسته تقسیم می‌کند که هر یک، دو گزینه یا دو راه را در هنگام کنش، در اختیار کنش‌گر قرار می‌دهد. این پنج دسته عبارتند از:

۱. عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی.
 ۲. اکتساب در برابر انتساب یا دستاورد در برابر ماهیت.
 ۳. عاطفه در برابر بی‌طرفی عاطفی.
 ۴. محدودیت و تشخیص در برابر وسعت و نبود تشخیص.
 ۵. جهت‌گیری شخصی در برابر جهت‌گیری جمعی. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۴۹)
- هوزلیتز^۱ از نظریه پردازان دیدگاه نوسازی است که بر تغییرات فرهنگی به عنوان پیش شرط توسعه اقتصادی تأکید می‌کرد. به نظر هوزلیتز، در جوامع سنتی در توزیع نقش‌های اقتصادی، خاص‌گرایی حاکم است. عدم اعتماد به دستاورد فردی باعث تأکید بر انتساب (روابط خویشاوندی) به عنوان اساس توزیع کالاهای اقتصادی است، عملکرد وظایف اقتصادی معمولاً پراکنده و آمیخته است و نخبگان خودمحمور هستند. در حالی که در جوامع توسعه یافته، نخبگان نظرات و نگرش‌های جمع‌محوری دارند، عام‌گرایی اساس تخصیص کارآمد منابع و کار را تشکیل می‌دهد و از مشخصه‌های وظایف اقتصادی؛ خاص بودن یا تفکیک نقش‌ها است. (پیت و هارت ویک، ۱۳۸۴: ۱۱۶)

هیگن^۲ از دیگر نظریه‌پردازان نوسازی، تفاوت‌های شخصیت انسانی را به پیشرفت تکنولوژیکی و به‌طور کلی به تغییر اجتماعی ربط داد. او بر این باور بود که تصور مردم از جهان در جوامع سنتی شامل این درک بود که نیروهای غیرقابل کنترل زندگی آنها را محدود کرده و حاکم بر آن است. افراد سنتی به خاطر ترس از جهان و مشکلات آن افرادی غیرخلاق و

1. Hoselitz, Bert
2. Hagen, Everett

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و ... ❖ ۲۰۳

❖ سال: یازدهم، شماره: یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

اقتدارگرا بودند. به نظر هیگن تحت بعضی شرایط فرهنگی، افراد خلاق برتری تکنولوژیکی را شیوهٔ ارضای نیازهای خود می‌دانستند. ارزش‌های نسل جدید ممکن بود در مسیر نوآوری در تولید، اصلاح نهادی و رشد اقتصادی تغییر کنند و بعد گروه هنجارشکن^۱ جامعه را به سوی نوسازی هدایت کنند. (همان: ۱۱۹ - ۱۱۸)

در ادامه دیدگاه شوارتز، اینگلهارت، گروندونا، هریسون و الگزنדר از میان نظریه‌پردازان جدید، که مرتبط با موضوع پژوهش هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند:

شوارتز ۱۰ بعد ارزشی که برخاسته از سه نیاز اساسی بشر؛ یعنی نیازهای زیست‌شناختی، نیاز به تعامل اجتماعی و نیازهای اساسی و رفاهی هستند را بیان می‌کند. این ابعاد ارزشی در مجموع، دو محور دو قطبی را تشکیل می‌دهند: نخست، آمادگی برای تغییر در برابر محافظه‌کاری و دوم، توجه به ماورای خود در برابر تقویت خود. بعد آمادگی در برابر تغییر شامل نوع‌های ارزشی خوداتکایی، برانگیختگی و لذت‌گرایی است. ارزش‌های قدرت‌گرایی، موفقیت و لذت‌طلبی، نمایانگر بعد تقویت خود است و ارزش‌های سنت‌گرایی، هم‌نوایی و امنیت، بیانگر بعد محافظه‌کاری است و در نهایت جهان‌گرایی و خیرخواهی، بعد خودتعالی بخشی یا توجه به ماورای خود را نمایان می‌سازد. (Schwartz and Eetta, 1998: 99)

گروندونا در بررسی‌اش در مورد ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی جوامع توسعه‌یافته دو نوع ارزش را معرفی می‌کند: ارزش‌های ذاتی و ارزش‌های ابزاری. ارزش‌های ذاتی آن دسته از ارزش‌ها هستند که ما بدون توجه به منافع و مضرات‌شان آنها را تأیید می‌کنیم. اما ارزش‌های ابزاری، ارزشی است که ما به آن دلیل از آن حمایت می‌کنیم که مستقیماً به نفع ما می‌باشند. ارزش‌های ذاتی بی‌پایان و ارزش‌های ابزاری موقتی هستند. تمام ارزش‌های اقتصادی، ابزاری هستند. بنابراین برای رسیدن به توسعه پایدار می‌توان به دنبال ارزش‌های غیراقتصادی مانند بقا، امنیت، ممتاز بودن یا موقعیت اجتماعی بود. گروندونا در تحلیل خود از پیشرفت جوامع و نظام‌های ارزشی، یک سنخ‌شناسی شامل ۲۰ عامل در حوزه فرهنگی که در راستای دستیابی

1. Deviant group

❖ ۲۰۴ نامه پژوهش فرهنگی

به توسعه یا مقاوم در برابر آن هستند، را ارائه می‌دهد. (گروندونا، ۱۳۸۸: ۱۳۸ - ۱۲۷)

الگزندر، در نظریه خود دربارهٔ جامعهٔ مدنی، چنین جامعه‌ای را نمادی از انسجام می‌داند که در آن عام‌گرایی محض و برداشت‌های خاص‌گرایانه از اجتماع شدیداً در هم تنیده شده‌اند. از نظر الگزندر، جامعه مدنی مبتنی بر منابع یا درون‌داده‌های ناشی از نمادهای دیگر همچون زندگی سیاسی، نهادهای اقتصادی و فرهنگی و سازماندهی سرزمینی است. او در نظریه‌اش از جامعه مدنی و با گفتمانی مبتنی بر ویژگی‌های دوتایی، ساختار گفتمانی جوامع را بر حسب کدهای مردم‌سالارانه و غیرمردم‌سالارانه دسته‌بندی می‌کند. وی این دسته بندی را در سه بخش انگیزه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی ارائه می‌کند. در این دسته بندی‌ها دو دسته از ویژگی‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند، به عنوان نمونه، در بخش انگیزه‌های اجتماعی؛ فعال بودن در مقابل خستی بودن، استقلال در مقابل وابستگی، عقلانی در مقابل غیرعقلانی، واقع‌گرا در مقابل غیر واقع‌گرا، معقول در مقابل نامعقول (متعصب) است. در بخش روابط اجتماعی، باز (شفاف) بودن در مقابل پنهانی (بسته) بودن، اعتماد در مقابل بدگمانی، شعور در مقابل شور، دوستی در مقابل دشمنی و در بخش نهادهای اجتماعی، قاعده‌مندی در مقابل خودسری، قانون در مقابل قدرت، برابری در مقابل سلسله مراتب، فراگیر در برابر انحصاری، غیرشخصی در مقابل شخصی، گروه‌های اجتماعی در مقابل جناح‌ها و سمت در مقابل شخصیت قرار دارند. (Alexander, 2001:4-5 به نقل از میرفردی و جهانگیری، ۱۳۸۷)

هریسون در کتاب «آرزوی تمام آمریکایی‌ها» ۱۰ ارزش را معرفی می‌کند که فرهنگ‌های رو به پیشرفت را از فرهنگ‌های مقاوم مجزا می‌کند. این ۱۰ ارزش عبارتند از: جهت‌گیری زمانی رو به آینده، اهمیت دادن به کار، صرفه‌جویی، اهمیت آموزش، شایسته‌سالاری، اعتماد گسترش‌یافته، اصول اخلاقی دقیق و سخت‌گیرانه، عدالت و برابری، قدرت به شیوه افقی و همه‌جانبه و عدم وجود سنت‌پرستی خرافی و محافظه‌کاری افراطی. او این ارزش‌ها را از ویژگی‌های جوامع رو به توسعه برمی‌شمارد. (هریسون، ۱۳۸۸: ۵۰۴ - ۵۰۳)

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و ... ❖ ۲۰۵

❖ سال: یازدهم، شماره: یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

این‌گلهارت در نظریه تحول فرهنگی خود براساس فرضیات کمیابی و اجتماعی شدن به بررسی تغییر ارزش‌ها پرداخته است. از نظر این‌گلهارت، دگرگونی فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که دگرگونی‌های بزرگ در محیط اقتصادی، تکنولوژیکی و یا سیاسی، اجتماعی صورت گیرد. به نظر وی، سطوح بی‌سابقه امنیت جانی و اقتصادی پس از جنگ جهانی باعث شد تا ارزش‌های غرب از تأکید بر رفاه مادی و امنیت جانی به سوی تأکید بیشتر بر کیفیت زندگی، لزوم تعلق و دلبستگی به دیگران و حق ابراز نظر تحول یابد. نظریه ارزش‌های مادی و فرا مادی این‌گلهارت براساس فرضیات کمیابی و اجتماعی شدن است. در فرضیه کمیابی، اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی‌اش است، به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آن کم است و براساس فرضیه اجتماعی شدن، ارزش‌های اصلی شخص بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ وی است. پیمایش‌های جهانی نشان می‌دهند که گروه‌های جوان‌تر اهمیت کمتری به امنیت اقتصادی و جانی می‌دهند تا گروه‌های مسن‌تری که بسیار بیش از آنها طعم عدم امنیت را چشیده‌اند. (این‌گلهارت، ۱۳۸۲: ۹۲ - ۷۳)

۲.۳. چارچوب نظری

این تحقیق در پی شناخت جهت‌گیری ارزشی معلمان و برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر آن است. در این راستا، گونه‌شناسی‌های گروندونا و هریسون، دیدگاه این‌گلهارت، گفتمان دوسویه جامعه مدنی الگزندر و دیدگاه پارسونز در مورد متغیرهای الگویی مناسب، مدل نظری تحقیق می‌باشند که اهم موارد مورد استفاده به شرح زیر ارائه می‌گردد:

این‌گلهارت در بررسی عوامل مؤثر بر ارزش‌ها، از فرضیات کمیابی و جامعه‌پذیری استفاده می‌کند. همچنین نظریه ارزش‌های مادی و فرامادی در مورد جوامع بقاء نفس (برای جوامع کمتر توسعه یافته) و بیان نفس (برای جوامع فرامادی) در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مقیاس ارزشی شوارتز در مورد ارزش‌های آمادگی برای تغییر و محافظه‌کاری برای سنجش

❖ ۲۰۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور مورد استفاده قرار گرفته است. الگزنندر در نظریه‌اش در ارتباط با جامعه مدنی، ویژگی‌های جوامع را به مردم‌سالارانه و غیرمردم‌سالارانه دسته‌بندی می‌کند. انعطاف، رقابت، نوآوری و محوریت دانش و آگاهی از ویژگی‌های جوامع رو به توسعه می‌باشند. متغیرهای الگویی پارسونز به خصوص عام‌گرایی مناسب مدل نظری تحقیق می‌باشد، زیرا این دسته از متغیرها به شکل دوگانه؛ ویژگی‌های دو دسته از جوامع شامل جوامع توسعه یافته و جوامع توسعه نیافته را بازنمایی می‌کنند. سنخ‌شناسی‌های گروندونا و هریسون نیز که به شرایط فرهنگی توسعه پرداخته‌اند در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

متغیرهای مستقل شامل سطح تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، احساس امید به زندگی و رضایت از زندگی (عوامل اجتماعی) و وضعیت اشتغال، درآمد (عوامل اقتصادی) می‌باشند و متغیر وابسته، جهت‌گیری ارزشی توسعه محور است که از طریق شاخص‌هایی همچون نگرش عقلانی - غیرعقلانی، عام‌گرایی - خاص‌گرایی و علم‌گرایی بالا - علم‌گرایی پایین، سنجدیده می‌شود. برای تبیین ابعاد نظری و مفهومی متغیر وابسته (جهت‌گیری ارزشی) نظریات زیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند: ۱. برای بررسی جنبه عام‌گرایی متغیر وابسته از مبحث متغیرهای الگویی پارسونز استفاده گردیده است. ۲. سنخ‌شناسی‌های ارزشی گروندونا و هریسون (۱۳۸۸) در مورد نگرش نسبت به موضوعاتی همچون زمان، کار، تقدیرگرایی و پس‌انداز به کار گرفته شده است. ۳. سنخ‌شناسی الگزنندر (۲۰۰۱) از ساختار گفتمانی به ویژه در مورد روابط اجتماعی (اعتماد)، نگرش‌های عقلانی مورد استفاده قرار گرفته است. ۴. سنخ‌شناسی شوارتز در مورد انواع ابعاد ارزشی، برای سنجش خطرپذیری مورد استفاده قرار گرفته است.

۳.۳. فرضیات تحقیق

در این تحقیق جهت‌گیری ارزشی، متغیر وابسته است. در این مقاله علاوه بر توصیف جهت‌گیری ارزشی معلمان، برخی از عوامل تأثیرگذار بر آن با استفاده از فرضیات زیر تبیین

می‌گردند:

۱. به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات والدین و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.
۲. بین وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی فرد و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان درآمد سرپرست خانوار و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.
۴. بین وضیت استخدام و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.
۶. بین احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.
۷. بین رضایت از زندگی و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.

۴. روش‌شناسی تحقیق

۴.۱. روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع پیمایشی است و داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است.

۴.۲. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری شامل کلیه معلمان شاغل در اداره آموزش و پرورش شهرستان بروجن است. هیچ گروه شغلی معرف یک کشور نیست، اما معلمان مدرسه ممکن است از اکثر گروه‌ها، برای مطالعه ارزش‌ها مناسب‌تر باشند، زیرا از آنها انتظار می‌رود که نقش روشنی در جامعه‌پذیری ارزش‌ها ایفا کنند و می‌توان گفت آنها انتقال‌دهندگان اصلی فرهنگ محسوب می‌شوند. (Schwartz and Sagie, 2000)

حجم جامعه آماری ۲۰۰۰ نفر بود که طبق جدول لین (Lin, 1976: 446) ۳۲۲ نفر به عنوان نمونه محاسبه گردید که برای افزایش دقت، به ۳۴۳ نفر ارتقا یافت. با توجه به این که مطالعه در سه منطقه آموزش و پرورش شهرستان بروجن انجام گرفت، برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع چند مرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که در مرحله

۲۰۸ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

اول از شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای تعداد افراد نمونه از سه منطقه آموزش و پرورش شهرستان مشخص گردید و سپس از شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد.

۳.۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مطالعه اغلب آماره‌های توصیفی مرتبط با موضوع، نظیر محاسبه درصدها، نسبت‌ها، فراوانی‌های مطلق، نسبی، تجمعی و همچنین آماره‌های آمار استنباطی مرتبط با موضوع داده‌ها در سطوح سنجش متفاوت اسمی، رتبه‌ای، فاصله‌ای و نسبی از قبیل کای اسکوئر، ۷کرامر، ضریب همبستگی‌های پیرسون و اسپیرمن هر کدام در سطوح سنجش مربوط به خود استفاده شده است.

۴.۴. روایی و اعتبار تحقیق

برای شناخت میزان انسجام درونی گویه‌ها یا روایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای آن‌ها ۰/۷۵ می‌باشد و نشانه بالا بودن میزان انسجام درونی گویه‌هاست. اعتبار محتوا نیز به شیوه اعتبار صوری با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین شد.

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. یافته‌های توصیفی و آزمون‌های رابطه‌ای تحقیق

۵.۱.۱. توصیف جهت‌گیری ارزشی معلمان

جدول ۱. توصیف آماری جهت‌گیری ارزشی معلمان

جهت‌گیری ارزشی	پایین	متوسط	بالا	کل	missing
فراوانی	۴۱	۲۴۰	۵۲	۳۳۳	۱۰
درصد معتبر	۱۲/۳	۷۲/۱	۱۵/۶	۱۰۰	

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و ... ❖ ۲۰۹

❖ سال: یازدهم، شماره: یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

همانگونه که جدول شماره یک نشان می‌دهد ۱۲/۳ درصد معلمان دارای سطح پائین، ۷۲/۱ درصد دارای سطح متوسط و ۱۵/۶ درصد دارای سطح بالایی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور می‌باشند.

۵. ۱. ۲. فرضیه نخست: رابطه بین سطح سواد والدین و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور

۵. ۱. ۲. ۱. رابطه سطح سواد پدر و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سطح سواد پدر و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	سطح سواد پدر					جهت‌گیری ارزشی
	عالی	دیپلم و فوق دیپلم	راهنمایی و زیردیپلم	ابتدایی	بی‌سواد	
۱۲/۳	۰/۳	۰	۱/۲	۵/۴	۵/۴	پایین
۷۲	۰	۲/۱	۶/۹	۳۸	۲۵	متوسط
۱۵/۷	۰/۳	۰/۶	۱/۲	۷/۸	۵/۷	بالا
۱۰۰	۰/۶	۲/۷	۹/۳	۵۱/۲	۳۶/۱	کل
n=332 Missing=11						
Spearman rho = 0/034 sig= 0/538						

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس سطح سواد پدر و ارتباط آن با نوع جهت‌گیری نشان می‌دهد که سطح سواد پدر ۳۶/۱ درصد از پاسخ‌گویان بی‌سواد بوده است که از این میزان، ۲۵ درصد دارای سطح متوسطی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور، ۵/۷ درصد دارای سطح بالا و ۵/۴ درصد از نمره جهت‌گیری ارزشی توسعه محور در سطح پایینی برخوردارند. ۵۱/۲ درصد سطح سواد پدرشان ابتدایی بود که از این تعداد ۳۸ درصد جهت‌گیری ارزشی توسعه محور در سطح متوسط، ۷/۸ درصد سطح بالا و ۵/۴ درصد جهت‌گیری ارزشی در

❖ ۲۱۰. نامه پژوهش فرهنگی

سطح پایینی دارند. ۹/۳ درصد سطح سواد پدرشان راهنمایی و زیردیپلم است که از این تعداد ۶/۹ درصد دارای جهت گیری ارزشی توسعه محور در سطح متوسط، ۱/۲ پایین و ۱/۲ جهت گیری بالایی دارند. ۲/۷ درصد نیز سطح سواد پدرشان در سطح دیپلم و فوق دیپلم و ۰/۶ درصد نیز سطح سواد عالی دارند. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۰۳۴ با سطح معناداری ۰/۵۳۸ نشان می دهد که بین متغیرهای سطح سواد پدر و جهت گیری ارزشی رابطه معناداری وجود ندارد.

۵. ۱. ۲. ۲. رابطه سطح سواد مادر و جهت گیری ارزشی توسعه محور

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سطح سواد مادر و جهت گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	سطح سواد مادر					جهت گیری ارزشی
	عالی	دیپلم و فوق دیپلم	راهنمایی و زیردیپلم	ابتدایی	بی سواد	
۱۲/۳	۰/۳	۰	۰/۳	۲/۷	۹	پایین
۷۲/۱	۰	۰/۹	۱/۸	۱۹/۸	۴۹/۵	متوسط
۱۵/۶	۰	۰	۰	۳/۹	۱۱/۷	بالا
۱۰۰	۰/۳	۰/۹	۲/۱	۲۶/۴	۷۰/۳	کل
n=333 Missing=10						
Spearman rho =- 0/025 sig= 0/650						

یافته ها نشان می دهد که ۷۰/۳ درصد پاسخ گویان، دارای مادران بی سواد بودند؛ که از این تعداد، ۴۹/۵ درصد دارای سطح متوسطی از جهت گیری ارزشی توسعه محور، ۱۱/۷ درصد در سطح بالا و ۹ درصد دارای سطح پایینی از جهت گیری ارزشی توسعه محور بودند. ۲۶/۴ درصد دارای مادران با سطح سواد ابتدایی بودند که جهت گیری ارزشی آنان به ترتیب،

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و ... ❖ ۲۱۱

❖ سال: یازدهم، شماره: یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

۱۹/۸ درصد متوسط، ۳/۹ درصد بالا و ۲/۷ درصد پایین بود. ۲/۱ درصد از پاسخ‌گویان مادران با سطح سواد دیپلم و فوق دیپلم و ۰/۳ مادران با سطح سواد عالی داشتند. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۲۵- با سطح معناداری ۰/۶۵۰ نشان می‌دهد که بین متغیرهای سطح سواد مادر و جهت‌گیری ارزشی، رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون‌های آماری جداول ۲ و ۳ (سطح تحصیلات والدین) نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سطح تحصیلات والدین و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان وجود ندارد. همان‌گونه که جداول نشان می‌دهد، والدین پاسخ‌گویان به ندرت در سطوح عالی قرار دارند و در سطوح ابتدایی و متوسط نیز تفاوت معناداری بین سطح جهت‌گیری ارزشی توسعه‌ای پاسخ‌گویان وجود ندارد که این نتیجه با نتایج برخی مطالعات اخیر مغایر است. (میرفردی و جهانگیری، ۱۳۸۷)، در بررسی جهت‌گیری ارزشی ساکنان شیراز و یاسوج رابطه معناداری بین سطح سواد والدین و جهت‌گیری ارزشی افراد یافته‌اند؛ همچنین در مطالعات اینگلهارت نیز که سطح سواد والدین به‌عنوان قوی‌ترین شاخص امنیت‌سازنده بررسی می‌شود، رابطه معناداری با اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان وجود دارد، البته میزان تأثیر آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۳۸ - ۱۳۷) نتیجه به‌دست آمده در این مطالعه احتمالاً به دلیل جامعه آماری خاص و همگن است.

۵. ۳.۱. فرضیه دو: رابطه وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی نوجوانی و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور

کل	وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی					جهت‌گیری ارزشی
	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	
۱۲/۳	۰	۱/۲	۶/۳	۳/۳	۱/۲	پایین

ادامه جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور

کل	وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی					جهت‌گیری ارزشی
	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	
۷۲/۱	۱/۵	۷/۵	۳۸/۴	۱۵/۶	۸/۴	متوسط
۱۵/۶	۰/۹	۱/۵	۷/۵	۲/۴	۳/۳	بالا
۱۰۰	۲/۴	۱۰/۲	۵۲/۳	۲۱/۳	۱۲/۹	کل
n=333 Missing=10						
Spearman rho = 0/013 sig= 0/818						

جدول شماره چهار نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی ۱۲/۹ درصد افراد در حد خیلی پایین بوده است که از این تعداد ۱/۲ درصد دارای سطح پایینی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور، ۸/۴ دارای سطح متوسط و ۳/۳ درصد دارای سطح بالایی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور هستند. شرایط اقتصادی ۲۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان در حد پایین بوده است که از این میزان، ۳/۳ درصد جهت‌گیری ارزشی پایین، ۱۵/۶ متوسط، ۲/۴ جهت‌گیری ارزشی بالایی دارند. ۵۲/۳ درصد از پاسخ‌گویان در شرایط اقتصادی متوسط بوده‌اند که ۶/۳ درصد جهت‌گیری ارزشی توسعه‌ای بالا و ۳۸/۴ درصد متوسط و ۷/۵ درصد پایین دارند. به همین ترتیب ۱۰/۲ درصد در شرایط اقتصادی بالا و ۲/۴ درصد در شرایط خیلی بالایی رشد یافته‌اند که جهت‌گیری ارزشی توسعه محور هر گروه در جدول مشخص شده است. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۰۱۳ با سطح معناداری ۰/۸۱۸ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد. لذا فرضیه دو رد می‌شود. نتایج این آزمون، با نتایج مطالعات اینگلهارت، به ویژه فرضیه جامعه‌پذیری ایشان سازگاری ندارد.

۵. ۴.۱. فرضیه سه: رابطه بین درآمد سرپرست خانوار و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان درآمد سرپرست خانوار و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور

کل	درآمد سرپرست خانوار			جهت‌گیری ارزشی
	بالا	متوسط	پایین	
۱۲/۳	۰/۳	۲/۷	۹	پایین
۷۲/۱	۱/۸	۱۹/۸	۴۹/۵	متوسط
۱۵/۶	۰	۳/۹	۱۱/۷	بالا
۱۰۰	۲/۱	۲۶/۴	۷۰/۳	کل
n=333 Missing=10				
Spearman rho = 0/005 sig= 0/928				

همان‌گونه که جدول شماره پنج نشان می‌دهد ۱۸/۹ از پاسخ‌گویان از سطح پایین درآمد، ۵۸/۹ درصد از سطح متوسط و ۲۲/۲ درصد از سطح بالایی از درآمد برخوردارند که جدول، میزان جهت‌گیری ارزشی توسعه محور را در هر سطح درآمد نشان می‌دهد. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۰۰۵ با سطح معناداری ۰/۹۲۸ نشان می‌دهد که بین سطح درآمد سرپرست خانوار و جهت‌گیری ارزشی، رابطه معناداری وجود ندارد. در آزمون فاصله‌ای نیز ضریب همبستگی پیرسون با ارزش ۰/۰۱۸- و سطح معناداری ۰/۷۴۴ رابطه معناداری را بین این دو متغیر نشان نمی‌دهد.

۵.۱.۵. فرضیه چهار: ارتباط میان وضعیت استخدام و جهت گیری ارزشی توسعه محور

جدول ۶. توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب نوع استخدام و جهت گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	نوع استخدام			جهت گیری ارزشی
	بالا	متوسط	پایین	
۱۲/۳	۰	۰/۶	۱۱/۷	پایین
۷۲/۱	۱/۲	۵/۴	۶۵/۵	متوسط
۱۵/۶	۰	۰/۳	۱۵/۳	بالا
۱۰۰	۱/۲	۶/۳	۹۲/۵	کل
n=333 Missing=10				
V=0/078 sig=0/394 کرامر				

جدول شش نشان می دهد که از نظر وضعیت استخدامی، ۹۲/۵ درصد از پاسخ گویان، استخدام رسمی، ۶/۳ درصد به صورت حق التدریس و ۱/۲ درصد دارای استخدام پیمانی بودند که سطح جهت گیری ارزشی توسعه محور آنها نیز مشخص شده است. ضریب همبستگی ۷ کرامر به ارزش ۰/۰۷۸ با سطح معناداری ۰/۳۹۴ نشان می دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

۵. ۱. ۶. فرضیه پنج: ارتباط میان میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور

جدول ۷. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان استفاده از رادیو و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان استفاده از رادیو				جهت‌گیری ارزشی
	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
۱۲/۳	۰/۳	۰/۳	۴/۵	۷/۲	پایین
۷۲/۱	۰/۶	۳/۹	۳۰/۹	۳۶/۶	متوسط
۱۵/۶	۰	۰	۷/۲	۸/۴	بالا
۱۰۰	۰/۹	۴/۲	۴۲/۶	۵۲/۳	کل
n=333 Missing=10					
Spearman rho = 0/004 sig= 0/949					

همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد میزان استفاده از رادیو در سطح پایینی است به نحوی که ۵۲/۳ درصد، اصلاً استفاده نمی‌کنند، ۴۲/۶ درصد به میزان کم از رادیو استفاده می‌کنند که طبق اظهارات‌شان فقط زمانی که سوار اتومبیل هستند به رادیو گوش می‌دهند، ۴/۲ درصد استفاده در سطح متوسط و ۰/۹ درصد در حد زیاد از رادیو استفاده می‌کنند. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۰۰۴ و سطح معنی داری ۰/۹۴۹ نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از رادیو و جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۸. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان استفاده از تلویزیون و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان استفاده از تلویزیون				جهت‌گیری ارزشی
	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
۱۲/۳	۰/۳	۱/۸	۹/۳	۰/۹	پایین

ادامه جدول ۸. توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب میزان استفاده از تلویزیون و جهت گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان استفاده از تلویزیون				جهت گیری ارزشی
	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
۷۲/۱	۱/۵	۱۸/۳	۵۰/۲	۲/۱	متوسط
۱۵/۶	۰	۲/۴	۱۲/۳	۰/۹	بالا
۱۰۰	۱/۸	۲۲/۵	۷۱/۸	۳/۹	کل
n=333 Missing=10					
Spearman rho = -0/022 sig= 0/695					

جدول هشت نشان می دهد که ۳/۹ درصد از پاسخ گویان، اصلاً تلویزیون تماشا نمی کنند، ۷۱/۸ درصد از پاسخ گویان به میزان کمی از تلویزیون استفاده می کنند، ۲۲/۵ درصد به میزان متوسط و ۱/۸ درصد از پاسخ گویان به میزان زیادی از تلویزیون استفاده می کنند. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۰۲۲- با سطح معنی داری ۰/۶۹۵ می باشد که نشان می دهد بین میزان استفاده از تلویزیون و جهت گیری ارزشی رابطه ای وجود ندارد.

جدول ۹. توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب میزان مطالعه نشریات و کتاب های غیر درسی و جهت گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان مطالعه نشریات و کتاب های غیردرسی				جهت گیری ارزشی
	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
۱۲/۳	۰	۰/۹	۷/۸	۳/۶	پایین
۷۲/۱	۱/۲	۶/۶	۴۸/۶	۱۵/۶	متوسط
۱۵/۶	۰	۱/۵	۱۱/۱	۳/۰	بالا

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و ... ❖ ۲۱۷

❖ سال یازدهم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۸۹

ادامه جدول ۹. توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب میزان مطالعه نشریات و کتاب‌های غیر درسی و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان مطالعه نشریات و کتاب‌های غیردرسی				جهت‌گیری ارزشی
	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
۱۰۰	۱/۲	۹	۶۷/۶	۲۲/۲	کل
n=333 Missing=10					
Spearman rho = 0/055 sig= 0/318					

جدول بالا نشان می‌دهد که میزان مطالعه غیردرسی در معلمان بسیار پایین می‌باشد به طوری که ۲۲/۲ درصد از آنان در طول شبانه روز اصلاً مطالعه ندارند، ۶۷/۶ درصد در سطح پایین، ۹ درصد در سطح متوسط و ۱/۲ درصد در سطح زیاد مطالعه دارند. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۰۵۵ و سطح معنی داری ۰/۳۱۸ نشان می‌دهد که بین مطالعه نشریات و کتاب‌های غیردرسی و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود ندارد.

جدول ۱۰. توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب میزان استفاده از اینترنت و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان استفاده از اینترنت				جهت‌گیری ارزشی
	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
۱۲/۳	۰/۳	۱/۵	۲/۴	۸/۱	پایین
۷۲/۱	۱/۲	۴/۲	۱۵/۹	۵۰/۸	متوسط
۱۵/۶	۰/۳	۰	۶/۳	۹	بالا
۱۰۰	۱/۸	۵/۷	۲۴/۶	۶۷/۹	کل
n=333 Missing=10					
Spearman rho = 0/030 sig= 0/592					

❖ ۲۱۸ نامه پژوهش فرهنگی

میزان استفاده از اینترنت در میان معلمان بسیار پایین است، به طوری که ۶۷/۹ درصد اصلاً استفاده نمی‌کنند، ۲۴/۶ درصد به میزان کم، ۵/۷ درصد در حد متوسط و تنها ۱/۸ درصد در حد زیاد از اینترنت استفاده می‌کنند. این وضعیت در حالی است که انتظار می‌رود معلمان برای پویایی و به روز بودن، از دانش و فناوری نوین به خصوص از فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات استفاده کنند. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۳۰ و سطح معنی‌داری ۰/۵۹۲ نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از اینترنت و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود ندارد.

جدول ۱۱. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان استفاده از ماهواره و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان استفاده از ماهواره				جهت‌گیری ارزشی
	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
۱۲/۳	۰	۰	۱/۲	۱۱/۱	پایین
۷۲/۱	۰/۳	۰/۳	۱۰/۲	۶۱/۳	متوسط
۱۵/۶	۰	۰	۲/۷	۱۲/۹	بالا
۱۰۰	۰/۳	۰/۳	۱۴/۱	۸۵/۳	کل
n=333 Missing=10					
Spearman rho = 0/054 sig= 0/330					

براساس اعلام پاسخ‌گویان، میزان استفاده از ماهواره بسیار پایین است که شاید یکی از دلایل چنین وضعیت آماری از کاربری ماهواره، محافظه‌کاری پاسخ‌گویان در ارائه اطلاعات دقیق بوده است. به هر حال؛ ۸۵/۳ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که اصلاً از ماهواره استفاده نمی‌کنند، ۱۴/۱ درصد به میزان کم، ۰/۳ درصد به میزان متوسط و ۰/۳ درصد به میزان زیادی از ماهواره استفاده می‌کنند. ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۰۵۴ و سطح معنی‌داری ۰/۳۳۰ نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از ماهواره و جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود ندارد.

۵. ۷.۱. فرضیه شش: رابطه بین میزان امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور

جدول ۱۲. توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب میزان امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان امید به زندگی زندگی			جهت‌گیری ارزشی
	بالا	متوسط	پایین	
۱۲/۳	۱/۵	۷/۸	۳	پایین
۷۲/۳	۱۲/۷	۵۰/۶	۹	متوسط
۱۵/۴	۴/۲	۹/۳	۱/۸	بالا
۱۰۰	۱۸/۴	۶۷/۸	۱۳/۹	کل
n=332 Missing=11				
Spearman rho =0/127 sig=0/021				

اکثر پاسخ‌گویان از نظر احساس امید به زندگی که یکی از شاخص‌های توسعه انسانی است در سطح متوسطی هستند، به نحوی که ۱۳/۹ درصد از معلمان در سطح پایین، ۶۷/۸ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۴ درصد در سطح بالایی از احساس امید به زندگی قرار دارند. ضریب همبستگی اسپیرمن، نشان می‌دهد که دو متغیر در سطح معنی‌داری بیش از ۹۵ درصد و مقدار $r=0/127$ با هم همبستگی دارند. این همبستگی مستقیم است و افرادی که از احساس امید به زندگی بالاتری برخوردارند از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور بالاتری نیز برخوردارند؛ به بیان دیگر، افراد با احساس امید به زندگی بالاتر، دارای میزان بیشتری از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور می‌باشند.

۵. ۸.۱. فرضیه هفت: رابط میان میزان رضایت از زندگی و جهت گیری ارزشی توسعه محور

جدول ۱۳. توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب میزان رضایت از زندگی و جهت گیری ارزشی توسعه محور (درصد)

کل	میزان رضایت از زندگی			جهت گیری ارزشی
	بالا	متوسط	پایین	
۱۲/۳	۱/۲	۷/۲	۳/۹	پایین
۷۲/۱	۲۸/۸	۳۲/۱	۱۱/۱	متوسط
۱۵/۶	۹	۴/۸	۱/۸	بالا
۱۰۰	۳۹	۴۴/۱	۱۶/۸	کل
n=333 Missing=10				
Spearman rho =0/250 sig=0/000				

اینکلهارت رضایت از زندگی را از شاخص های بسیار مهم فرهنگی می داند که می تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی بسیاری به دنبال داشته باشد. در این مطالعه، رضایت از زندگی ۱۶/۸ درصد از پاسخ گویان در سطح پایین، رضایت ۴۴/۱ درصد از پاسخ گویان در سطح متوسط و رضایت ۳۹ درصد از پاسخ گویان در سطح بالایی می باشد. ضریب همبستگی اسپیرمن $r=0/250$ در سطح معنی داری بیش از ۹۹ درصد، نشان می دهد که بین دو متغیر رابطه وجود دارد. این رابطه مستقیم است، به این صورت که هر چه رضایت از زندگی افزایش می یابد نمره جهت گیری ارزشی توسعه محور نیز بالاتر می رود. نتیجه این مطالعه با دیدگاه و مطالعات اینکلهارت همخوانی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

ارزش‌ها نقش اساسی در تبیین، کنترل و پیش‌بینی کنش دارند و عنصری اساسی در ساختار فرهنگی به شمار می‌روند. ارزش‌ها و فرهنگ جامعه تأثیر بسیاری بر رفتار اقتصادی و سیاسی و به دنبال آن توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی اقتصادی و سیاسی دارند. داده‌های جهانی نیز نشان می‌دهد که جهان‌بینی کشورهای ثروتمند با جهان‌بینی مردم جوامع دارای درآمد پایین تفاوت‌های اساسی دارد. (Inglehart and Baker, 2000) این مطالعه که با بهره‌گیری از نظریات مربوط به جهت‌گیری ارزشی، به ویژه دیدگاه مادی‌گرایی - فرامادی‌گرایی اینگلههارت، دیدگاه گفتمان دوسویه‌الگزندر و دیدگاه شوارتز، هریسون، گروندونا و پارسونز انجام شده است، در پی شناخت جهت‌گیری ارزشی معلمان و عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر آن است. معلمان در اکثر جوامع از نظر پایگاه اجتماعی به طبقه متوسط رو به بالا و از نظر اقتصادی به طبقه متوسط رو به پایین تعلق دارند. (Schwartz and Sagie, 2000)

نتایج نشان می‌دهند اکثر معلمان یعنی ۷۲/۱ دارای سطح متوسطی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور بودند، ۱۲/۳ درصد دارای سطح پایینی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور بودند، یعنی ارزش‌های آنان مخالف توسعه بود و ۱۵/۶ درصد دارای سطح بالایی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور بودند، یعنی ارزش‌های کاملاً همسو با توسعه داشتند. فرضیات تحقیق، برخی از عواملی را که می‌تواند بر جهت‌گیری ارزشی مؤثر باشند را به آزمون کشیدند که از آن میان، سطح سواد پدر و مادر با جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور رابطه معناداری نداشت. همچنین بین وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی فرد با جهت‌گیری ارزشی رابطه معناداری وجود نداشت. درآمد و وضعیت استخدام نیز رابطه معناداری با جهت‌گیری ارزشی نداشتند. به طور کلی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط معلمان در سطح پایینی قرار داشت و البته رابطه معناداری نیز با جهت‌گیری ارزشی نداشت اما بین میزان احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور رابطه معناداری وجود داشت لذا این فرضیه تأیید می‌شود. یعنی هر چه احساس امید به زندگی افزایش یابد جهت‌گیری ارزشی توسعه

❖ ۲۲۲ نامه پژوهش فرهنگی

محور نیز افزایش می‌یابد.

بین میزان رضایت از زندگی که شامل رضایت شغلی، رضایت از زندگی خانوادگی، امکانات زندگی و رضایت از وضعیت سلامتی است، با جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور رابطه معناداری وجود دارد به این معنا که افرادی که از زندگی خود احساس رضایت بیشتری دارند، از میزان جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور بالاتری نیز برخوردارند.

معنادار نبودن رابطه بین سطح سواد والدین و جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور معلمان در این مطالعه، می‌تواند با شرایط شغلی و تحصیلی نسبتاً همگون آنها پیوند داشته باشد. از سوی دیگر نیز نوعی همگونی نسبی بین سطح سواد والدین پاسخ‌گویان وجود دارد، به گونه‌ای که ۸۷/۳ درصد از پدران پاسخ‌گویان و ۹۶/۷ درصد از مادران‌شان در سطح بی‌سواد و یا ابتدایی قرار داشتند. به بیان دیگر، همگونی در شرایط شغلی و تحصیلی خود پاسخ‌گویان، از یک سو و همگونی در وضعیت سواد والدین‌شان، از سوی دیگر، موجب شده که تفاوت‌ها در میزان جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور آنها محسوس و معنادار نباشد و متغیرها از واریانس لازم برای وجود رابطه معنادار برخوردار نباشند. در شرایط همگون تحصیلی تفاوت چندانی بین نوع جهت‌گیری ارزشی افراد نمی‌توان انتظار داشت. علاوه بر این، معلمان در شرایط شغلی قرار دارند که همواره با مضامین و موضوعات فرهنگی و جهت‌گیری‌های ارزشی، ارتباط نظری و عملی دارند، بنابراین نوع جهت‌گیری‌شان تاحدودی می‌تواند مستقل از شرایط والدین‌شان باشد.

وضعیت یادشده بالا، می‌تواند در مورد شرایط اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی و همچنین درآمد سرپرست خانوار موضوعیت داشته باشد. عدم تناسب و همخوانی نتیجه به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌های شرایط اقتصادی خانواده و درآمد سرپرست خانوار با متغیر وابسته، با نتایج مطالعات اینگلهارت، می‌تواند ناشی از تفاوت جوامع مورد مطالعه باشد. در جوامع مورد مطالعه اینگلهارت، نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از توسعه‌یافتگی متوازن و هماهنگی برخوردارند؛ به گونه‌ای که افراد با رفاه اقتصادی بالا، بیشتر به شرایط

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و ... ❖ ۲۲۳

خودشکوفایی و جهت‌گیری‌های فرامادی و توسعه‌محور سوق می‌یابند. به بیان دیگر، امکانات اقتصادی جامعه و شرایط فرهنگی و اجتماعی از تناسب و هم‌نوایی لازم برخوردارند. در جوامع مورد مطالعه اینگلهارت، کسانی که رفاه بیشتری دارند از شرایط تحصیلی، مهارتی و آگاهی بیشتری نیز برخوردارند و بنابراین، نوع جهت‌گیری آنها نیز به سوی ارزش‌های متناسب با توسعه سوق می‌یابد، ولی در جامعه مورد بررسی این پژوهش، اعم از معلمان که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند و دیگر اقشار و صنوف، بالا بودن سطح رفاه لزوماً متناسب با سطح تحصیلات، دانش و مهارت نیست و نوعی رشد و تغییر در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد که می‌توان از آن به عنوان توسعه ناموزون یاد کرد. در این توسعه ناموزون، شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی از هماهنگی و تناسب لازم برای شرایط توسعه‌ای برخوردار نیستند.

از معنادار نبودن رابطه وضعیت استخدام و جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که، از یک سو، جامعه مورد مطالعه از تنوع و واریانس لازم در وضعیت استخدام برخوردار نیست و از سوی دیگر، سطح تحصیلات نسبتاً همگون خود پاسخ‌گویان، جدای از وضعیت استخدامی‌شان، در همگون شدن نوع جهت‌گیری ارزشی آنها بی‌تأثیر نیست. داده‌های موجود شرایط نسبتاً یکسانی را در جهت‌گیری ارزشی معلمان با وضعیت‌های گوناگون نشان می‌دهد. به بیان دیگر، جایگاه معلمی، جدای از وضعیت استخدامی، زمینه فرهنگی و جهت‌گیری ارزشی نسبتاً همانندی را برای همه معلمان ایجاد می‌کنند.

معنادار نبودن رابطه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور معلمان، در بخش برنامه‌های رادیویی می‌تواند، از یک سو، ناشی از توزیع نابرابر پاسخ‌گویان در میزان استفاده از برنامه‌های رادیویی و از سوی دیگر، ناشی از نوع استفاده و همچنین محتوای برنامه‌های رادیویی، باشد. به بیان دیگر، در استفاده از رادیو، پاسخ‌گویان دارای توزیع نابرابر می‌باشند، به گونه‌ای که کمتر از یک درصد پاسخ‌گویان در حد زیاد از رادیو

❖ ۲۲۴ نامه پژوهش فرهنگی

استفاده می‌کنند. محتوای برنامه‌های رادیویی می‌تواند در این نتیجه تأثیرگذار باشد. کسانی که اصلاً از رادیو استفاده نمی‌کنند و یا در حد کم استفاده می‌کنند، در حد محسوسی از میزان بالاتری از نمره جهت‌گیری ارزشی توسعه محور برخوردارند. این وضعیت در مورد تلویزیون نیز وجود دارد. با توجه به پربیننده بودن تلویزیون، نبود رابطه معناداری بین جهت‌گیری ارزشی توسعه محور و میزان استفاده از تلویزیون نیز می‌تواند ناشی از نوع استفاده و همچنین محتوای برنامه‌های تلویزیونی باشد. این وضعیت در مورد سایر رسانه‌های جمعی نیز قابل تحلیل است. به بیان دیگر، این که تا چه اندازه رسانه‌های جمعی به آموزه‌های توسعه محور می‌پردازند و مخاطبین و کاربران تا چه اندازه از برنامه‌ها با چنین آموزه‌هایی استفاده می‌کنند، می‌تواند در وضعیت رابطه بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور تأثیرگذار باشد. با توجه به این که جامعه مورد مطالعه، اغلب با مباحث فرهنگی و اجتماعی در ارتباط می‌باشند، به نظر می‌رسد رسانه‌های جمعی در ارائه آموزه‌های فرهنگی توسعه - محور از کارایی لازم برخوردار نبوده‌اند.

متغیرهای احساس امید به زندگی و رضایت از زندگی به عنوان متغیرهای کیفی در زندگی، رابطه مستقیم و معناداری با جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور معلمان داشته‌اند. چنین نتیجه‌ای با نتایج مطالعات اینگلهارت همخوانی دارد. این دو متغیر، که به لحاظ کیفی در زندگی افراد اهمیت بالایی دارند، دربردارنده و میانگینی از شاخص‌های گوناگون کیفی در زندگی است و نقش تعیین کننده‌ای در باورهای فرهنگی - اجتماعی فرد و جهت‌گیری ارزشی وی دارند. از سویی، چنین نتیجه‌ای می‌تواند نشانگر تأثیر شرایط زیستی و کیفیت زندگی فرد بر جهت‌گیری ارزشی وی باشد. چنین نتیجه‌ای ضمن این که از نظر رابطه معناداری متغیرهای امید به زندگی و رضایت از زندگی با جهت‌گیری ارزشی، با نتایج مطالعات اینگلهارت همخوانی دارد، اما از سویی، به دلیل معنادار نبودن رابطه بین متغیرهای اقتصادی و اجتماعی همچون شرایط اقتصادی خانواده و تحصیلات والدین با جهت‌گیری ارزشی، می‌تواند قطعیت نظریه اینگلهارت به ویژه در مورد اولویت تأثیرگذاری شرایط قبل از بلوغ بر نوع جهت‌گیری

جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و ... ❖ ۲۲۵

ارزشی افراد برای همه اقشار و جوامع را مورد تردید قرار دهد. نتایج این مطالعه، تنها تأثیر شرایط کنونی (همچون احساس امید به زندگی و رضایت از زندگی) را بر جهت‌گیری ارزشی توسعه محور نشان می‌دهد. البته، به صرف این نتیجه نمی‌توان تأثیر شرایط جامعه‌پذیری بر جهت‌گیری ارزشی را مورد تردید قرار داد و چنین نتیجه‌ای ممکن است در مورد افراد با تحصیلات دانشگاهی، همچون معلمان، بیشتر سنخیت داشته باشد.

طبق نتایج این تحقیق، به نظر می‌رسد شرایط فعلی افراد شامل احساس امید به زندگی، رضایت از زندگی و وضعیت اقتصادی کنونی بیش از شرایط جامعه‌پذیری آنان (وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی و سطح سواد والدین) بر جهت‌گیری ارزشی تأثیرگذار است. این وضعیت نشان می‌دهد که ناکارآمدی در برنامه‌های رفاهی، اقتصادی می‌تواند در نوع اولویت‌بندی و جهت‌گیری ارزشی افراد، تأثیرگذار باشد. به بیان دیگر، براساس نتایج چنین مطالعه‌ای، حتی اگر فرد در دوران قبل از بلوغ خود، از موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسبی برخوردار باشد، وضع موجود وی، می‌تواند بر نظام ارزشی و نگرش‌هایش مؤثر باشد. بر این اساس، کارآمدی نهادهای اجتماعی، رفاهی و اقتصادی برای بهینه‌سازی شرایط زندگی انسانی، می‌تواند در جهت ساماندهی به نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی توسعه محور ضروری باشد.

منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی و امیر ملکی، (۱۳۸۵)، «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صفحات ۱۲۱ - ۹۷.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه، (۱۳۸۲)، «روش‌های کاربردی تحقیقی»، تهران، انتشارات کیهان.
- اینگلهارت، رونالد، (۱۳۸۲)، «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی»، مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- پیت، ریچارد و الین هارت ویک، (۱۳۸۴)، «نظریه‌های توسعه، مصطفی ازکیا و رضا صفری شالی و اسماعیل رحمان پور»، تهران، نشر لویه.
- چلبی، مسعود، (۱۳۸۳)، «چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسن‌زاده، رمضان، (۱۳۷۹)، «بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه استان‌های مازندران و گلستان»، نامه پژوهشی فرهنگی، سال هشتم، دوره جدید، شماره ۸، صفحات ۵۸ - ۴۱.

بررسی دلایل پرمخاطب بودن سریال‌های ... ❖ ۲۲۷

- خلیفه، عبدالطیف محمد، (۱۳۷۸)، «بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها»، ترجمه سید حسین سیدی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- روزه، گی، (۱۳۷۰)، «کنش اجتماعی»، هما زنجان‌زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، «دایره‌المعارف علوم اجتماعی»، تهران، انتشارات تبیان.
- میرفردی، اصغر و جهانگیر جهانگیری، (۱۳۸۷)، «جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه انسانی در ایران: مطالعه موردی ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج». پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره دوم، نیمه دوم سال ۱۳۸۷، صفحات ۱۲۸ - ۱۰۳.
- گروندونا، ماریانا، (۱۳۸۸)، «گونه‌شناسی فرهنگی توسعه اقتصادی». ۱۳۸ - ۱۲۳ در اهمیت فرهنگ، هریسون، لارنس و ساموئل هانتینگتون، ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۲)، «جامعه‌شناسی»، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ نهم.
- وبر، ماکس، (۱۳۷۴)، «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری»، عبدالمعبود انصاری، تهران، انتشارات سمت.
- هریسون، لارنس، (۱۳۸۸)، «ترویج تغییرات فرهنگی متمدنی». ۵۱۳ - ۴۹۹ در اهمیت فرهنگ، هریسون، لارنس و ساموئل هانتینگتون، ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- Inglehart, Ronald and Baker E, Wayne, 2000, "Modernization, cultural change and the persistence of traditional values", American Sociological Review, Vol.65(19-51).
- Schwartz, S.H. and Sagie, Galit, 2000, "Value consensus and importance", journal of cross-cultural psychology. <http://jcc.sagepub.com>
- Lin, N, 1976, foundations of social research, New yourk, Mc Graw-Hill.
- schwartz, S.H and Eetta G, 1998, "Value priorities and Gender". Social Psychology Quarterly, Vol.61. No.1.
- Yuchtman-Yaar, E. and Alkalay Yasmin, 2007, "Religious zones, economic development and modern value orientations: Individual versus contextual effects", social science Research, Vol 36(789-807). available at [www. Sciencedirect.com](http://www.Sciencedirect.com)